

مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۰

## گونه های توازن در متن قرآن کریم\*

«نگاهی زبانشناختی و با تأکید بر جزء سی ام»

دکتر آزاده شریفی مقدم

استادیار گروه زبان های خارجی دانشگاه شهید باهنر کرمان

آناهیتا بردبار

عضو هیات علمی آموزشکده فنی و حرفه ای سما

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

### چکیده

در حوزه زبان شناسی، مفهوم «توازن» به نوعی تقارن صوری یا هماهنگی ساختاری در لفظ اشاره دارد که غالباً توسط حس (شنوایی یا بینایی) مخاطب قابل درک و تشخیص است. توازن با توجه به سطوح تحلیل زبان به انواع آوایی، واژگانی و نحوی قابل تقسیم است. منظور از توازن آوایی تکرار واحدهای آوایی همچون واج، هجا و یا مجموعه آن هاست. توازن واژگانی واژه های مکرر را شامل می شود که در همگونی کامل و یا ناقص با یکدیگرند و توازن نحوی حاصل تکرار ساخت هائی با آرایش نحوی مشابه است. توازن به دلیل ایجاد نوعی هارمونی یا موسیقی در کلام، یک صنعت ادبی و لذا یکی از ابزارهای مهم زیبایی شناسی بحساب می آید. حال با فرض قطعی بر اینکه در کلام قرآن از ابزارهای زیبایی شناختی و صنایع ادبی بسیار استفاده شده است، هدف کلی این مطالعه بررسی توازن و گونه های آن در متن قرآن کریم با تأکید بر جزء سی ام می باشد. بررسی نتایج حاصل از جمع آوری داده های این مطالعه بیانگر آنست

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۸

نشانی پست الکترونیک نویسنده: [asharifi@mail.uk.ac.ir](mailto:asharifi@mail.uk.ac.ir)

[anahitabordbar@gmail.com](mailto:anahitabordbar@gmail.com)

که در کلام قرآن به طرز برجسته ای از گونه های مختلف توازن استفاده شده است که خود می تواند یکی از عوامل زیبایی و جذابیت صوتی آن باشد. اهمیت این مطالعه به دلیل نقش مهمی است که توازن در انتقال معنا توسط صورت داشته ، ابزاری صوری جهت سلاست و روانی بیان بوده و نیز اینکه به دلیل ایجاد زیبایی در کلام و هارمونی ، ابزاری کارآمد جهت ارتباط با مخاطب است .

### واژگان کلیدی:

توازن آوایی ؛ توازن واژگانی ؛ توازن نحوی ؛ قرآن کریم ؛ قاعده افزایی.

### ۱- مقدمه

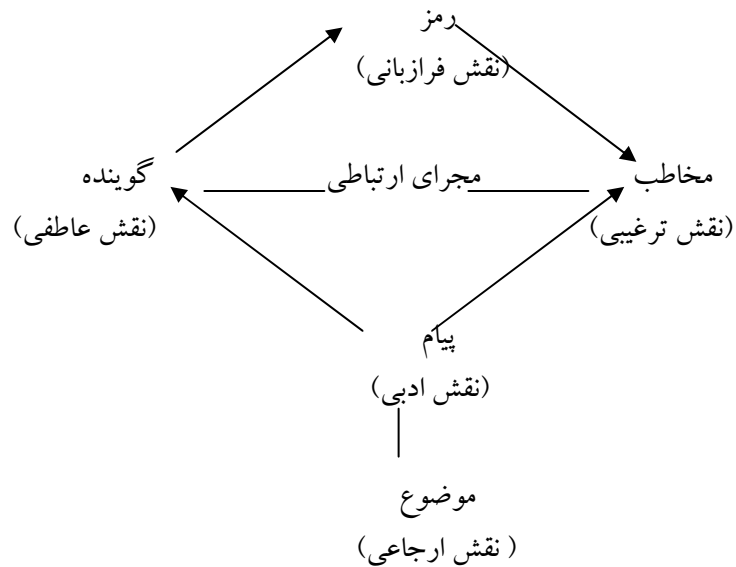
#### ۱-۱- نقش های زبان از دیدگاه زبان شناسی

یاکوبسن (۱۹۶۰، نقل از فالر و دیگران، ۱۳۶۹: ص ۶۴) برای زبان شش کارکرد<sup>۱</sup> شامل «کارکرد عاطفی<sup>۲</sup>»، «کارکرد ترغیبی<sup>۳</sup>»، «کارکرد ارجاعی<sup>۴</sup>»، «کارکرد فرازبانی<sup>۵</sup>»، «کارکرد همدلی<sup>۶</sup>» و «کارکرد ادبی<sup>۷</sup>» را در نظر می گیرد. وی تفاوت میان این کارکردها را در شش جزء تشکیل دهنده ارتباط یعنی گوینده، مخاطب، مجرای ارتباط، رمز، پیام، موضوع و نقش های متفاوتی که هر یک از این شش جزء در ارتباط با هم دارند و نیز تأکیدی که در هر کارکرد بر هر یک است، می داند. نمودار زیر که تلفیقی از نقش های زبانی و عناصر سازنده ارتباط است، به صورت زیر می باشد (صفوی، ۱۳۸۰: ص ۳۳):

- 1 - function
- 2 - emotive
- 3 - conative
- 4 - referential
- 5 - metalinguistic
- 6 - phatic

<sup>7</sup> - poetic ، آندره مارتینه ، زبان شناس فرانسوی قرن هفده از این نقش با عنوان «نقش زیبایی آفرینی»

(aesthetic) یاد می کند .



به اعتقاد یاکوبسن (همان) بررسی هر نقش بدون در نظر گرفتن ارتباط جزء با کل مجموعه میسر نیست. وی برای نقش ادبی جایگاه و مرتبه خاصی قایل بوده و والاترین کارکرد زبان را که در آن تأکید بر خود «پیام» است، به این نقش نسبت می‌دهد. او اضافه می‌کند که کارکرد ادبی صرفاً خاص زبان شعر نیست، همانگونه که ساختار شعری و صنعت های ادبی نیز به زبان شعر محدود نمی‌باشد. این مطلب از چشم ادیبان و اندیشمندان اسلامی نیز دور نمانده است. آنان اعتقاد دارند که یکی از جذائیت های متن قرآن کریم جنبه های زیبایی شناختی به کار رفته در آنست (فراستخواه، ۱۳۷۶:ص ۳۱).

صورت‌نگرایان<sup>۸</sup> در تمایز زبان ادبی از زبان غیر ادبی به دو فرآیند استناد می‌کنند؛ فرآیند «خودکاری»<sup>۹</sup> و «برجسته‌سازی»<sup>۱۰</sup>. در حالیکه در فرآیند خودکاری، عناصر زبان صرفاً به قصد بیان موضوع و بدون جلب نظر در شیوه بیان و توجه به نکته ای خاص بکار گرفته می‌شوند، در فرآیند برجسته‌سازی بکارگیری عناصر زبان به گونه‌ای است که شیوه بیان جلب نظر کرده، غیر متعارف باشد و در برخلاف فرآیند خودکاری زبان، غیر خودکار باشد (هاورانک، ۱۹۳۲: صص ۳-۱۶).

لیچ (۱۹۶۹) هنجارگرایی و قاعده افزایی را از مهمترین روش های به کار گرفته در جهت برجسته‌سازی می‌داند:

۱-۲-۱- **هنجارگرایی**<sup>۱۱</sup>: منظور از هنجارگرایی، انحراف زبان خود کار از قواعد حاکم بر آن است. همچون استفاده از ترکیب «نفسدود» در متن زیر که در زبان عادی و هنجار نمی‌گنجد و نمونه‌ای از انحراف از قواعد حاکم بر ترتیب عناصر واژگانی است:

با آن که شب شهر را دید گاهی است

با ابرها و نفسدودهایش

تاریک و سرد و مه آلود کرده است.... (اخوان ثالث، به نقل از وهابیان، ۱۳۷۶: ۳)

نمونه دیگر، کاربرد صفت در جایگاه پایانی است، همچون عبارت زیر:

با چکاچکاک مهیب تیغهامان، تیز

غرش زهره داران کوسهامان، سهم

پرش خاراشکاف تیرهامان، تند (اخوان ثالث، همان پیشین)

8 - formalists

9 - automatisaton

10 - foregrounding

11 - deviation

هنجارگریزی به دلیل خلق ساختارهای نو و بکارگیری خلاقیت به عنوان انگیزشی تأثیرگذار در جذب مخاطب، یک ابزار موفق و کارآمد در زبان ادب بشمار می رود (وهابیان، ۱۳۷۶:ص ۳).

۱-۲-۲- قاعده افزایی<sup>۱۲</sup>: در قاعده افزایی، انحرافی از قواعد زبان صورت نمی گیرد؛ بلکه قاعده ای مازاد بر قواعد زبان هنجار و عادی اعمال می شود. توازن که نتیجه تکرار ساخت های کلامی بوده، باعث ایجاد نظم در صورت های زبانی است و نوعی قاعده افزائی محسوب می شود.

لیچ (۱۹۶۹:ص ۳۷) برای فرایند برجسته سازی، سه سطح اصلی تحقق صوری<sup>۱۳</sup>، صورت<sup>۱۴</sup> و معنی شناسی<sup>۱۵</sup> قائل است. این سه سطح همراه با اجزای آن ها در نمودار زیر نشان داده شده است<sup>۱۶</sup>.

معنی شناسی	صورت	تحقق صوری
معنی	دستور	دستگاه واجی
(صریح یا شناختی)	و واژگان	دستگاه خطی

به اعتقاد وی، این طرح سه لایه ای می تواند مبنای عملکرد زبان قرار گیرد. زیرا زبان در این سه سطح نمود می یابد. بنابراین برجسته سازی در کل بر روی سطوح سه گانه آوایی، واژگانی و نحوی عمل می کند.

<sup>12</sup>-Extra regularity

<sup>13</sup>-realization

<sup>14</sup>- form

<sup>15</sup>- semantics

<sup>16</sup> - لیچ (۱۹۶۹) در ارائه الگوی خود متأثر از دیدگاه های زبان شناسانی چون هلیدی

(Halliday)، مکینتاش (Mcintosh) و استرونس (Stevens) بوده است.

### ۱-۳- توازن چیست؟

در حوزه زبان شناسی، «توازن» به نوعی تقارن صوری یا هماهنگی ساختاری در لفظ اطلاق می شود که شخیص و درک آن توسط حس (شنوایی یا بینایی) مخاطب امکان پذیر باشد. توازن یک ویژگی ذاتی و یکی از نقش های ادبی زبان بوده و به معنی هم وزنی یا نوعی تکرار در سطح ساختهای زبانی می باشد. این ویژگی یکی از قابلیت های زبان در نقش آفرینی ادبی است. به عبارت دیگر، توازن یک فرآیند یا صنعت ادبی بوده و نقش آن به جهت تأثیری است که بر مخاطب پیام می گذارد و بدین جهت در زمره کارکردهای زبان ادبی شناخته شده است (صفوی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۰).

تکرار از نوع توازن، کلام را موسیقایی کرده، در ذهن بدان استقرار داده، آن را خیال انگیزتر و زیباتر جلوه می دهد. گنجی (۱۳۷۱: ص ۱۸) قدرت توازن را به صورت زیر توصیف می کند: «توازن در روان همان اثری را دارد که استدلال در عقل». فرشید ورد (۱۳۶۳: ص ۵۹) نیز توازن را موجب «روشنی کلام و توضیح و زیبایی و شور» می داند.

در متن قرآن کریم که منبع غنی کلام موسیقایی است از صنعت های ادبی متفاوت از جمله تکرار بسیار استفاده شده است (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ص ۱۲۷).

### ۱-۴- گونه های توازن

تقارن صوری حاصل از تکرار وابسته به قواعدی است که در سطوح مختلف زبانی قرار داشته و گونه های توازن را شامل؛ توازن آوایی، واژگانی و نحوی شکل می دهد (صفوی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۳).

#### ۱-۴-۱- توازن آوایی

توازن آوایی حاصل تکرار یک یا چند واج، یک یا بخشی از یک هجا و یا توالی چند هجا در یک ساخت بزرگ تر اتفاق می افتد، همچون استفاده مکرر از

واج های سایشی در بیت زیر که نوعی توازن آوایی به وجود آورده است و به ایجاد نوعی صنعت واج آوایی انجامیده است :

سَـتُونِ کَرْدِ چِـپِ رَا وَ خِـمِ کَرْدِ رَاسِـتِ    خِـرُوشِ اَز خِـمِ چِـرَخِ چَـاچِی بَخَاسِـتِ  
(فردوسی، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۱۶۹)

صفوی (۱۳۸۰: ص ۱۶۹) معتقد است که امکانات آوایی «الف» تا «چ» به دلیل ارزش آوایی موسیقایی خاص خود می توانند، توازن واجی بوجود آورند. نمونه دیگر از توازن آوایی «قافیه» است که در نتیجه تکرار عناصر پایانی ردیف های شعری ایجاد می شود :

آبِ حِیَاتِ مَنِ اسْتِ خَاکِ سِرکُویِ دُوسْتِ  
گَر دُو جِهَانِ خَرْمِی اسْتِ مَا وَ غَمِ رُویِ دُوسْتِ  
(سعدی، همان پیشین)

### ۱-۴-۲- توازن واژگانی

تکرار در سطح واژه، توازن واژگانی را ایجاد می کند. این نوع توازن صنعت های ادبی را به وجود می آورند که در چهارچوب هجا نمی گنجد. به عبارت دیگر، قرینه سازی واژه هائی که در شباهت کامل یا ناقص با یکدیگرند، در این دسته جای می گیرند. شایان ذکر است که توازن واژگانی صرفاً محدود به تکرار چند هجا درون یک واژه نیست؛ بلکه می تواند شامل کل یک واژه، واژه های یک گروه و حتی مجموعه واژه های درون جمله را نیز شامل شود.

واژه های مکرر می توانند، در همگونی کامل یا ناقص با یکدیگر باشند. منظور از همگونی ناقص، تشابه نسبی میان دو یا چند واژه است و همگونی کامل در اصل تشابه کامل آوایی میان دو یا چند عنصر واژگانی است (صفوی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۹). همچون تکرار ناقص جفت های «منور/ مقرر» «نجوم/ رسوم» و «جمال/ کمال» در بیت زیر:

ای منور به تو نجوم جمال      ای مقرر به تو رسوم کمال  
(رشیدالدین وطوط، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

و تکرار کامل واژه ها در ابیات زیر :

من عریانم، عریانم، عریانم  
مثل سکوت های میان کلام محبت عریانم  
و زخم های من همه از عشق است  
از عشق، عشق، عشق.... (فروغ فرخزاد، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

نوح تویی، روح تویی، فاتح و مفتوح تویی      سینه مشروح تویی، بر در اسرار مرا  
ما در عتاب تو می شکوفیم  
در شتاب  
ما در کتاب تو می شکوفیم  
در دفاع از لبخند تو  
که یقین است و باور است.... (مولوی، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

کاربرد این جفت واژه ها، در اصطلاح ادبی «سجع متوازن» نامیده می شود  
(صفوی، کورش، ۱۳۸۰: ص ۱۷۵).

### ۱-۴-۳- توازن نحوی

این نوع توازن حاصل تکرار آرایش نحوی ساخت هائی چون عبارت، بند و جمله است، همچون تکرار کامل مصرع زیر که منجر به ایجاد توازن در سطح نحو شده است:

او با شمشیر سر یلان را برید      او با شمشیر سر یلان را برید  
(سعدی، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)



البته هنگام قائل شدن تمایز میان تکرار کلامی که به توازن می‌انجامد و تکرار مکانیکی که توازنی را شامل نیست، باید به محدوده تکرار کلامی توجه داشت. در تکرار مکانیکی هر عنصر تکرار شونده وابسته به عناصر پیش و پس از خود است برای مثال:

بیا، بیا، بیا...

دارای عنصر تکرار شونده «بیا» است که می‌تواند n بار تکرار شود. هر یک از این عناصر متشابه از نظر زمان تولید، مقید به زمان تولید عنصر پیش از خود است، بدین معنی که زمان تولید هر عنصر باید با زمان تولید عناصر پیش و پس از خود برابر باشد و فاصله درنگ میان هر دو عنصر تکرار شونده، نیز ثابت است و بنابراین فاقد وزن است.

در تکرار کلامی که به توازن منجر می‌شود، هر عامل توازن می‌تواند توازن‌های دیگر را مقید کند، برای مثال:

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

(مولوی، به نقل از صفوی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

برای حفظ وزن از میان امکانات گزینش، واژگانی باید انتخاب شوند که در وزن بیت مذکور قرار گیرند. بدین ترتیب آزادی گزینش واژگان در سطح هر بیت مقید به حفظ وزن است و در محدوده قافیه، مقید به تکرار آوایی است.

## ۲- طرح مسئله

از آنجا که توازن به عنوان یک صنعت ادبی و یک ابزار زیبایی شناختی کلام را موسیقایی کرده، به انتقال آن سرعت بخشیده و درک آن را آسانتر می‌سازد و با توجه به اینکه کلام قرآن منبع غنی استفاده از ابزارهای زیبایی شناختی است که از این طریق انتقال و درک معنا را سهولت داده و ماندگاری آن را در ذهن و دل

مخاطب افزایش می دهد، این مطالعه به هدف بررسی توازن و گونه های آن در کلام خدا انجام گرفته است. لذا انواع توازن شامل توازن آوایی، واژگانی و نحوی در جزء سی ام قرآن گردآوری، طبقه بندی و ارائه خواهد شد.

### ۳- بحث

در این مطالعه که به هدف مطالعه توازن در متن کلام خدا انجام گرفته است، بخشی از قرآن که جزء سی ام می باشد، انتخاب و انواع گونه های آن شامل؛ توازن آوایی، واژگانی و نحوی در آن شناسائی و ارائه خواهد گردید و بخش حاضر، نتیجه بررسی فوق را در بخش های مجزا در اختیار می گذارد:

### ۳-۱- توازن آوایی

این نوع توازن شامل تکرار واحدهای آوایی است که تحقق آن به صورت های زیر مشاهده شد:

**الف) تکرار همخوان آغازین:** آیات زیر این نوع توازن را نشان می دهد:

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ  
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (سوره ضحی آیات ۹ و ۱۰)

وَالسَّابِحَاتِ سَبَّحًا  
فَالسَّائِقَاتِ سَبَّحًا (سوره نازعات آیات ۳ و ۴)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ  
تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ (سوره نازعات آیات ۶ و ۷)

از نمونه های دیگر توازن آوایی که به شکل موسیقی اعجاب انگیزی متجلی می گردد، کاربرد حروف مشابه در آیات قرآن است که در صوت به

شکل «هم آوایی» موزونی متجلی می گردد. این ویژگی آوایی گاه با موضوع و محتوای آیه نیز تناسب و هماهنگی دارد؛ این نوع تکرار را شمیسا (۱۳۶۸:ص ۵۷) «هم حرفی» و لیچ (۱۹۶۹، ص ۸۹) معادل این اصطلاح را در زبان انگلیسی (alliteration) بکار می برد. همچون تکرار آوای «ز» در آیه ۱ سوره زلزله (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) که گویای واقعه زلزله و دگرگونی است. و نیز تکرار اصوات و حروف زیر:

تکرار همخوان «س»:

فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حَسَابًا يَسِيرًا (آیه ۸ سوره انشقاق)  
فَسَيَسِّرُهُ لِّلْيسْرِی (آیه ۷ سوره لیل)

تکرار همخوان «ش» و «ح»:

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (آیه ۵ سوره تکویر)

### ب) تکرار واکه :

تکرار واکه پیشین و زیرین /æ/ در آیات نمونه زیر:

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ  
وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (سوره فیل آیات ۲ و ۳)

إِذَا فَهِمَ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ  
فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (سوره قریش آیات ۲ و ۳)

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ  
وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُفَّتْ  
وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ  
وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (سوره انشقاق آیات ۱ تا ۵)

### ج) تکرار همخوان پایانی :

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ  
وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ  
نَارٌ حَامِيَةٌ (سوره قارعه آیات ۹ تا ۱۱)

فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حَسَابًا يَسِيرًا  
وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (سوره انشقاق آیات ۸ و ۹)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ  
وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (سوره انشقاق آیات ۱۷ و ۱۸)

### د) تکرار توالی همخوان و واکه آغازین :

تکرار توالی /?æ/ و /oum/ :

إِنِّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ  
فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (سوره همزه آیات ۸ و ۹)

تکرار توالی /oy/ :

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْتُمُونَ  
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (سوره انشقاق آیات ۲۲ و ۲۳)

### ه) تکرار توالی واکه و همخوان پایانی:

تکرار /nu/ :

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (سوره کافرون آیات ۱ و ۲)

تکرار /dæ/ :

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

اللَّهُ الصَّمَدُ

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سوره اخلاص آیات ۱ تا ۴)

**(و) تکرار هجای کامل :**

تکرار هجای /qal/ :

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (سوره علق آیات ۱ و ۲)

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (سوره فلق آیات ۱ و ۲)

**۳-۲- توازن واژگانی**

همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد، تکرار کامل یا ناقص عناصر واژگانی در این دسته جای می گیرند. در ادامه بحث نمونه هایی از انواع توازن واژگانی ارائه خواهد شد :

**الف) توازن واژگانی ناقص**

در این نوع توازن، هر چه بر تعداد هجاها و واج های یک ساخت افزوده شود، امکان تکرار بیشتر می شود.

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَلُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ  
وَإِذَا كَالَهُمْ أَوْ رَزَقُوهُمْ يُحْسِرُونَ  
أَلَا يَتُوبُونَ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (آیات ۲ تا ۴ سوره مطففین)

وَأَكِيدُ كَيْدًا  
فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمُهُمْ رُؤْيَا (آیات ۱۶ و ۱۷ سوره طارق)

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ  
وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ  
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (آیات ۸ تا ۱۰ سوره بلد)

بدین ترتیب چنین می نماید که تسجیع مجموعه ای از تکرارهای آوایی درون یک یا چند هجا در درون یک واژه است. همچنین برخی از انواع جناس نیز از طریق همگونی ناقص ایجاد می گردد.

### ب) توازن واژگانی کامل

پس از بررسی جزء سی ام قرآن، همگونی کامل واژگانی در موارد زیر مشاهده گردید:

وَيَقْلَبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا  
إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (سوره انشراق آیات ۹ و ۱۳)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره غاشیه)

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (آیات ۱ تا ۸ سوره تکویر)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (آیات ۹ تا ۱۱ سوره نبا)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره عبس ۲)

الْقَارِعَةُ

مَا الْقَارِعَةُ

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (آیات ۱ تا ۳ سوره قارعه)

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

مَلِكِ النَّاسِ

إِلَهِ النَّاسِ

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ  
الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ  
مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ (سوره ناس)

### ۳-۳- توازن نحوی

در این بخش به گونه‌ای دیگر از توازن توجه خواهد شد که براساس تکرار در ساختهای نحوی به وجود می‌آید.

آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه نبأ دارای ساختی واحدند. آرایش آیه ۳۲ [توالی اسم و صفت] در آیه ۳۳ نیز تکرار شده است. بدین ترتیب این آیات از تکرار ساخت برخوردارند؛ در چنین شرایطی می‌توان گفت که همنشینی عناصر هم نقش، به نوعی توازن نحوی می‌انجامد.

حَلَاتِقٍ وَأَعْنَابًا  
وَكَوَاعِبٍ أَتْرَابًا (آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نبا)

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ  
وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انشَرَّتْ  
وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ  
وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (سوره انفطار آیات ۱ تا ۴)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ  
وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (سوره قارعه آیات ۶ و ۸)

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ  
وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ  
وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ



وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ  
وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ  
وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ  
وَإِذَا النُّفُوسُ رُوِّجَتْ

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (سوره تکویر، آیات ۱ تا ۸)

چنین می‌نماید که همنشین سازی نقشی، به وسیله جملاتی متفاوت و معنایی یکسان، علاوه بر توازن نحوی نوعی توازن در معنا را نیز به وجود می‌آورد. چنانکه آیات ۱ تا ۴ سوره مبارکه انفطار و آیات ۱ تا ۸ سوره مبارکه تکویر به وقوع قیامت و آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه نبأ به زیبایی بهشت اشاره دارد.

#### ۴- نتیجه گیری

در مقاله حاضر که هدف آن بررسی توازن و انواع آن در متن قرآن کریم بوده است، بخشی از قرآن یعنی جزء سی ام آن انتخاب و انواع توازن در سه سطح آوایی، واژگانی و نحوی گردآوری و تحلیل گردید.

نتایج تحلیلی داده‌ها، بیانگر کاربرد انواع گونه های توازن در متن قرآن کریم بود که با توجه به سطح یا لایه های زبانی به انواع زیر قابل تقسیم است:

- توازن آوایی یا تکرار واحدهای آوایی در مواردی چون تکرار همخوان آغازین، تکرار واکه، تکرار همخوان پایانی، تکرار توالی واکه و همخوان آغازین و پایانی و تکرار هجای کامل مشاهده شد.

- توازن واژگانی در هر دو صورت، همگونی کامل و همگونی ناقص واژه‌ها مشاهده گردید.

- توازن نحوی یا تکرار ساخت هائی که در آرایش نحوی یکسانند، نیز در موارد متعدد مشاهده گردید.

کاربرد برجسته گونه های مختلف توازن در متن قرآن کریم سرمشق خلق هنر بیان بوده، نه تنها بر زیبایی و اثر بخشی متن افزوده؛ بلکه بشر را مخاطب خود قرار

داده و از این رهگذر نوعی تعامل عاطفی از طریق استفاده از توازن و خلق تمهیدات هنری بین خداوند و انسان برقرار نموده است.

### کتابنامه

۱. باطنی، محمد رضا، (۱۳۵۶). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران، امیر کبیر.
۲. ثمره، یدالله، (۱۳۶۴). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۳. شمیسا، سیروس، (۱۳۶۸). *نگاهی تازه به عروض و قافیه*. تهران: فردوس.
۴. صفوی، کورش، (۱۳۸۰) *از زبان شناسی به ادبیات*. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران، ج اول، نظم
۵. علوی مقدم، محمد، (۱۳۷۲). *در قلمرو بلاغت*، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، مشهد، ج اول
۶. -----، محمد، (۱۳۵۱). *علم بلاغت در قرن سوم هجری، مجموعه سخنرانیهای دوّمین کنگره تحقیقات ایرانی*، دانشگاه مشهد.
۷. فالر، راجر و دیگران، (۱۳۶۹). *زبان شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، تهران. نشر نی.
۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶). *زبان قرآن*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. فرشید ورد، خسرو، (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول، ج اول و دوم.
۱۰. قائمیان، مهدی، (۱۳۷۸). *واج آراییی. رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ۵۰، سال سیزدهم.

۱۱. گنجی، نرگس، (۱۳۷۱). *شعر مقاومت فلسطین از ۱۹۶۷ تا سال پنجم انتفاضه*، ۱۹۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۲. وهاییان، مهرانگیز (۱۳۷۶)، *تبلیغات بازرگانی از دیدگاه زبانشناسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

13. Harvranek, B .(1932) ."**The Functional Differentiation of Standard Language** " in Garvin ,P.(ed.).Prague School Reader in Esthetics ,Literary Structure and Style,Georgetown univ.Press.

14. Leech,G.N.(1969).**Linguistics Guide to English Poetry**.Longman:London.